

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۴۲ - ۲۲۳

رویکرد کلامی علامه حلی (۷۲۶ق) (پیشینه، نوآوری و تحول آفرینی آن در کلام امامیه)

محمد حسن نادم^۱

چکیده

تاریخ کلام امامیه در مسیر رشد و تعالی خود تا کنون مدارسی را پشت سر نهاده است که هر کدام نقش تحول آفرینی در بالندگی اندیشه کلامی امامیه داشته‌اند. همه باورها و بن‌مایه‌های اعتقادی شیعه در دو مدرسه نخستین (مدینه و کوفه) تکوین، تبیین و تثبیت شد. سپس میراث پیشین با دو رویکرد کلامی، در مدرسه قم و بغداد، مدون و انتقال پیدا کرد. با افول قم و بغداد، یکی از مدارس سترگ شیعه که از جهت جامعیت، تنوع و نوآوری از مدارس سرآمد امامیه شد، مدرسه حله بود. مدرسه‌ای که علاوه بر ایجاد تحول در دیگر علوم اسلامی، خاستگاه تحولات عدیده با رویکردهای متفاوت در اندیشه کلامی شیعه گردید. در آن میان تنها رویکرد فلسفی کلامی بود که توسط محقق طوسی بیشتر مورد توجه قرار گرفت، دیگر رویکردها در شعاع رویکرد غالب فلسفی کمتر به چشم آمدند. از این رو این جستار بر آن است، با مروری بر تحولات کلامی مدرسه حله از پیشینه، نوآوری و روند شکل‌گیری یکی از رویکردهای کلامی که توسط علامه حلی بوجود آمد و در نگاه به حله مورد توجه بایسته قرار نگرفت، سخن گوید و نقش آن در تحول آفرینی کلام امامیه را بیش از پیش بنمایاند.

واژگان کلیدی

مدرسه حله، علامه حلی، رویکردهای کلامی، تحولات کلامی.

۱. دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

طرح مسأله

پس از افول مدرسه شیعی بغداد در پی حمله طغرل بیک سلجوقی در سال (۴۴۸ق) و پراکنده شدن علما به شهرهای مختلف از جمله عراق، حجاز، ایران و شامات، تنها مدرسه ای که در تاریخ کلام از آن یاد کرده اند مدرسه کلامی ری بود (موسوی، ۱۳۹۴: ۳۹-۵۳)، اما در آن مقطع تاریخی ری و دیگر شهرهایی که علما در آنها ساکن شدند، هیچکدام در تراز مدارس کوفه، بغداد و قم که نقش تحول آفرین در کلام امامیه ایفاد کردند، قرار نگرفت. تا اینکه در اواخر قرن پنجم (۴۹۵ق) شهری در یکی از نقاط مرکزی عراق که از موقعیت جغرافیایی مناسبی در بین کوفه و بغداد بهره داشت بدست یکی از امیران مزیدی از شیعیان عراق بنا نهاده شد و حله نام گرفت (الخطیب، ۱۳۹۴: ۱۱-۳۲). به سرعت علما و دانشمندان امامیه از شهرهای بغداد، نجف، حلب، جبل عامل، ری، بحرین، قطیف و دیگر نقاط به حله روی آوردند و بستر شکل گیری یک مدرسه سترگ شیعی را فراهم نمودند. با توجه به پیوند علمی که حله با بغداد، نجف و ری داشت، این مدارس سهم بسزایی در تحرک و رونق بخشیدن به علم و دانش در حله داشتند (حسین پوری، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۱)، دیری نپایید که با فراهم آمدن فضای علمی و فرهنگی در این شهر مدرسه ای شکل گرفت که تا قرن نهم پیش از سه قرن بعنوان مرکز علمی، فرهنگی امامیه مورد توجه و عنایت خاص علما و فرهیختگان از نقاط مختلف اسلامی قرار گرفت، و میراث گراسنگ آن همچنان راه گشا است.

مدرسه حله از ویژگیهای کم نظیری بر خوردار بود مانند: طولانی بودن مدت صدارت و برتری آن بر دیگر حوزه های علمی شیعه، تنوع علمی و نو آوریهای بی بدیل آن نسبت به دیگر مدارس امامیه، ظهور و بروز شخصیت‌های علمی فراوان در علوم مختلف و...، در این مدرسه فقه، اصول، حدیث، تاریخ، تفسیر، حکمت و فلسفه، کلام، عرفان، اخلاق، طب، ادبیات، منطق، علم الانساب و علم کلام مورد توجه بود. بنابر این صرف نظر از تحول و تطوراتی که این مدرسه در تاریخ دیگر علوم اسلامی ایجاد کرد، تحول آفرینی کلامی متکلمان این مدرسه، یکی از برجسته ترین ویژگیهای مدرسه حله بشمار می رود.

از جمله متکلمان شاخص مدرسه حله که این جستار توجه خود را معطوف به او

نموده، علامه حلی(۷۲۶ق) است، علامه حلی شخصیتی است که در باره جهات مختلف علمی او سخن فراوان گفته اند، اما آثار بجای مانده از او حکایت از آن دارد که دغدغه های کلامی او جلوه بیشتری داشته است، از این رو در باره اندیشه ها و جایگاه کلامی او نیز تحقیقات متنوع بسیاری انجام گرفته است و از زوایای مختلف شخصیت و اندیشه های کلامی او مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. با توجه به موضوع این جستار به چند نمونه از تحقیقات انجام گرفته به عنوان پیشینه بحث اشاره می شود؛

- از جمله تحقیقات اختصاص یافته به اندیشه های کلامی علامه حلی، پایان نامه دکتری خانم زابینه اشمیتکه^۱ است. این اثر در راستای تکمیل پروژه ای بود که معتزلیان طراحی کردند(خیاط معتزلی، ۱۹۲۵: ۶، ۳۶، ۱۲۷) و مستشرقانی مانند مادلونگ^۲ به بازخوانی و بازسازی آن اقدام نمودند (مادلونگ، ۱۳۶۲: ۹-۳۱؛ مکدرموت، ۱۳۷۲: ۵۲-۵۳). اصرار بر این دارد که متکلمان برجسته امامیه را به هر نحو ممکن متأثر از شخصیت های معتزلی قلمداد کند، بنابراین خانم اشمیتکه در پایان نامه خود تلاش نموده است با تاکید بر

۱. زابینه اشمیتکه (Sabine Schmidtke)) استاد آلمانی اسلام شناسی است. او مدرک لیسانسش را از دانشگاه عبری اورشلیم گرفت و در سال ۱۹۸۷، فوق لیسانسش را از دانشگاه لندن دریافت کرد. در سال ۱۹۹۰ مدرک دکتری خود را از دانشگاه آکسفورد با پایان نامه ای که از او یاد شد گرفت و از سال ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ به عنوان مدرس اسلام شناسی برای دانشگاه بن کار کرد، همچنین از سال ۱۹۹۹ به عنوان استاد مدعو اسلام شناسی در دانشگاه آزاد برلین مشغول به کارگردید و در سال ۲۰۰۲ به عضویت هیئت علمی آن دانشگاه درآمد.

۲. پروفیسور ویلفرد مادلونگ در ۲۶ دسامبر ۱۹۳۰م (مطابق ۵ دی ۱۳۰۹ش) در شهر اشتوتگارت آلمان متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی و متوسطه به دانشگاه قاهره رفت و لیسانس تاریخ و ادبیات اسلامی را در سال ۱۹۵۳ دریافت کرد. وی سپس به تحصیلات عالی در زادگاه خود ادامه داد و در سال ۱۹۵۷م از دانشگاه هامبورگ درجه دکتری در مطالعات اسلامی دریافت کرد. او سه سال (۱۹۵۸-۱۹۶۰م) وابسته فرهنگی سفارت آلمان غربی در بغداد بود و سپس زندگی علمی خود را در زمینه اسلام شناسی دنبال کرد. مادلونگ در اردیبهشت ۱۳۹۷ش در مراسم اختتامیه کنگره بین المللی «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» که تحت اشراف آیت الله مکارم شیرازی در شهر قم برگزار شد، شرکت کرد و به ایراد سخنرانی پرداخت.

جایگاه کلامی علامه حلی، تاثیر پذیری او را از مکتب اعتزال نشان دهد (اشمیتکه، ۱۳۷۸: کل کتاب)؛

- در فصلنامه کلام اسلامی نیز مقاله ای با عنوان «روش شناسی کلامی علامه حلی» منتشر شده است که به اقسام تالیفات علامه و بهره برداری او از علوم مختلف در مواجهه با پیروان دیگر فرق و مذاهب کلامی پرداخته است (همان، ۱۳۹۵: ۱۴۷-۱۶۵)؛

- مقاله دیگری را فصلنامه پژوهش‌های فلسفی با عنوان «علامه حلی متکلم یا فیلسوف» منتشر کرده است که به نقد نظر خانم اشمیتکه پرداخته، خواسته بر خلاف او که علامه را متکلم معرفی نموده است، فیلسوف معرفی نماید (همان، ۱۳۸۷: ۱۹۶-۲۱۸)؛

- مجله سیره پژوهی اهل بیت (ع) نیز مقاله ای با عنوان «نقش علامه حلی در رشد و پیشرفت کلام شیعی» در اختیار محققان قرار داده است، در این مقاله بیشتر به موفقیت‌های کلامی علامه با توجه به شرایط سیاسی زمانه اش پرداخته و از تربیت شاگردان متکلم او سخن گفته است (بیات، ۱۳۹۶: ۶۵-۷۷).

- مقاله ای نیز با عنوان «شهیدین در کشاکش دو جریان کلامی حله» در فصلنامه نقد و نظر منتشر شد که در راستای نشان دادن تاثیر پذیری شهیدین از جریان‌های کلامی حله است، در این مقاله جریان کلامی علامه حلی متمایز از دیگر جریان‌های کلامی آن مدرسه دانسته شده و با توجه به محدودیت مقاله بستر نشان دادن تفاوت جریان کلامی علامه حلی با دیگر جریان‌ها را فراهم آورده است (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۲۱۳).

- اخیرا پایان نامه ای با عنوان «سیر تطور کلام امامیه در مدرسه حله» دفاع شد که در آن نیز همانند مقاله پیشین نگاه متفاوت به روش کلامی علامه حلی انداخته است، می گوید: علامه حلی پس از ابن میثم و خواجه نصیرالدین، خط و سیر کلام فلسفی را با نگاه تکمیلی ادامه داد، او در کنار استدلال‌ات عقلی و بهره‌مندی از براهین فلسفی، به نقل نیز توجه داشت (عشرتی، ۱۳۹۹: ۳۵).

همچنین متکلمان پس از علامه حلی مانند فخر المحققین (م ۷۷۱ق)، شهید اول (م ۷۸۶ق) و فاضل مقداد (م ۸۲۶ق) را در زمره پیروان علامه حلی در روش کلامی دانسته است (همان، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱).

مؤلف این پایان نامه اگرچه تلاش کرده با استناد به کتابهای متنوع علامه حلی نشان دهد که روش کلامی او متفاوت با روش کلامی محقق طوسی بوده است اما تفاوت روش علامه حلی با محقق طوسی را فقط در توجه نمودن علامه به نقل ذکر کرده است و البته در ادامه بحث به نگاه مشهور که علامه حلی را متأثر محض محقق طوسی دانسته اند اشاره نموده و می گوید: روش علامه حلی ریشه در سبک خواجه دارد (همان، ۳۹).

بنابراین از این پایان نامه اگر چه تا حدودی می توان به عنوان موید این جستار نام برد اما نمی توان همداستان این جستار به شمار آورد. چنانکه دیگر آثار مذکور نیز با آنچه در این جستار دنبال می شود تفاوت دارند. در این جستار به تاثیر پذیری علامه حلی از رویکردها و جریانهای کلامی حله، نقش استقلالی رویکرد کلامی او و تحول آفرینی ویژه او در تاریخ کلام امامیه می پردازد و تاکید دارد که در شعاع دیگر رویکردهای کلامی مدرسه حله بویژه رویکرد کلامی - فلسفی محقق طوسی موارد ذکر شده مورد غفلت یا بی توجهی قرار گرفته است، و همچنین در باره شخصیتهای کلامی پس از علامه حلی نیز داوری بایسته ای انجام نگرفته است.

به نظر نگارنده این سطور، رویکرد کلامی علامه حلی ظرفیتی فراتر از آنچه تا کنون درباره آن گفته اند و یا شهرت یافته است، دارد، باید به آراء و اندیشه ها، روش، آثار و نقش تحول آفرین او در کلام امامیه به صورت مستقل و متمایز از دیگر رویکردها بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، بویژه اگر بنا باشد از نقش تحول آفرین متکلمان حله در تاریخ کلام امامیه سخن رود بایسته است از علامه حلی و شاگردان او به عنوان یک جریان مستقل و شاخص در عداد دیگر جریانهای تحول آفرین و تاثیر گذار در کلام امامیه یاد کرد. از این رو این جستار بر آن است با نشان دادن فرایند تحولات کلامی در مراحل مختلف مدرسه حله، چند مسئله اساسی در باره رویکرد کلامی علامه حلی را بیش از پیش بنمایاند که عبارتند از؛ تاثیر پذیری علامه حلی از رویکردهای کلامی پیش از خود، نوآوری متفاوت او در روش کلامی و تحول آفرینی متمایز او در فرایند تاریخ کلام امامیه.

فرایند تحولات کلامی مدرسه حله

چنانکه اشاره شد از ابتدای شکل‌گیری شهر حله (۴۹۵ق) به گواهی تاریخ علمای شاخص و فراوانی از دیگر بلاد به حله آمدند و مدرسه فقهی-اصولی حله را بنیانگذاری کردند، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۱۷۴؛ خفاجی، ۱۴۲۸: ۱۸؛ ذهبی، ۱۴۱۷: ۴۰۰-۴۰۱). فعالیت‌های علمی در این مقطع از مدرسه حله بنا به شواهد تاریخی بیشتر متوجه فقه، اصول و حدیث بود و از فضای کلامی غالب گزارشی در دست نیست. البته نباید از نظر دور داشت که بعضی از شخصیت‌هایی که در ابتدا به حله آمدند کسانی بودند که حضور در مدارس پیشین مانند بغداد و ری را در پرونده علمی خود داشتند، و یا به بغداد و ری رفت و آمد کرده بودند که کانون مباحث کلامی بود (حسین پور، ۱۳۹۰: ۳۰-۳۱). از این رو فقها و محدثانی که در ابتدای شکل‌گیری حوزه حله حضور داشتند، بی‌اطلاع از مباحث کلامی نبودند، یکی از آن شخصیت‌ها شیخ سدید الدین سالم بن محفوظ بن عزیزبن وشاح سوراوی (ق ۶) از مشایخ محقق حلی (دایی علامه) و ابن مطهر (پدر علامه) بود، در باره او گفته‌اند: کان امام الطائفة فی وقته والمرجع فی علم الکلام والفلسفه وکل علوم الاوائل، له مصنفات یرویها العلامة الحلی عن ابيه عنه، منها کتاب المنهاج فی الکلام و... (خویی، بی تا: ۲۴/۸)، بنابراین علمای دوره اول مدرسه حله به فقه و اصول و کلام هم‌زمان نظر داشته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۸۳-۲۱۳) اما بنا بر شواهد تاریخی در آن مقطع از شاخص‌های یک مدرسه کلامی اخبار مویدی وجود ندارد تا بتوان ابتدای مدرسه کلامی حله را دوره اول حله دانست، ولی می‌توان گفت علمای آن مقطع بودند که بستر ساز شکل‌گیری مرحله اول مدرسه کلامی حله شدند.

مرحله اول مدرسه کلامی حله

با عنایت به اینکه شکل‌گیری هر مدرسه‌ای مبتنی بر تحقق شاخص‌هایی است، مانند: ارائه سنت فکری متمایز به لحاظ محتوا یا روش، انتقال یک سنت علمی، و تولید ادبیاتی جدید به صورت شفاهی و یا کتبی، آن هم در بازه زمانی خاص و در موقعیت و مکانی ویژه (سبحانی، ۱۳۹۴)، از این رو باید مرحله اول مدرسه کلامی حله را از ورود سدید الدین محمود حمصی رازی (۴۹۵-۶۰۵ق) در سال (۵۵۰ق) به حله دانست، زیرا همه شاخص‌های

مذکور در شکل گیری یک مدرسه کلامی با ورود او به حله تحقق پیدا کرد، او یک دوره کامل کلام در مدرسه حله تدریس نمود، بنای یک رویکرد نوین کلامی را بنیان گذاشت، وعده ای را با خود همراه کرد که روشی متمایز از دیگر متکلمان داشتند. چنین بود که از او به عنوان مؤسس مدرسه کلامی حله یاد کرده اند (سبحانی، ۱۳۹۵).

حمصی رازی (۴۹۵-۶۰۵ق) یکی از شخصیت‌های برجسته پرورش یافته مدرسه ری بود، که هم در فقه و اصول چهره شاخص بود و هم در کلام (عسقلانی، ۱۹۷۱م: ۳۱۷/۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۴: ۲۰۰)، دورانی که حمصی در ری به تعلیم و تعلم می گذراند، مدرسه ری در شرایط ویژه ای از نظر علمی و تنوع رویکردهای کلامی قرار داشت. قبل از حمصی رازی، عبدالجبار معتزلی (م ۴۱۴ تا ۴۱۵ق) که یکی از چهره های شاخص و متنفذ معتزله و البته از منتقدان سر سخت امامیه در قرن چهارم هجری بود، به دعوت صاحب بن عباد طالقانی (م ۳۷۴ تا ۳۷۵ش) وزیر اعظم رکن الدوله بویه در سال (۳۶۷ق) برای قاضی القضاتی مناطق تحت سیطره آل بویه به ری آمد و با تلاش و کوشش فراوان علمی عقل گرایی معتزلی را در این مدرسه گسترش داد و شاگردان فراوانی را تربیت کرد (صدوق، ۱۳۹۵: ۹۴/۱)، رویکرد کلامی او در میان پیروان دیگر مذاهب از جمله شیعیان نیز مورد توجه قرار گرفت، و تاثیر قابل توجهی بر متکلمان مدرسه ری اعم از شیعه و غیر شیعه گذاشت (مدرسی، ۱۳۶۹: ۴۱۵/۵). پس از او نیز شاگردانش خط فکری او را دنبال کردند، بخصوص حنفیان و زیدیان (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۴۵-۱۴۶). این روند تا قرن پنجم و ششم ادامه پیدا کرد، متکلمان امامیه این مدرسه نیز با توجه به پیشینه ای که از ابن قبه رازی و دیگر کسانی که از آن پس با بغداد ارتباط داشتند، تحت تاثیر رویکرد علمای مدرسه بغداد بویژه سید مرتضی علم الهدی بودند (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۴۵؛ رحمتی، ۱۳۸۷: ۱۳). بنا بر این حمصی رازی که پرورش یافته مدرسه ری و متأثر از آن فضای بوجود آمده توسط خط فکری عبدالجبار و خط فکری سید مرتضی بود رویکردی متفاوت با دیگر رویکردهای کلامی داشت که از آن به معتزله متاخر یاد کرده اند (محقق حلی، ۱۳۷۳: ۳۳؛ النقص، ۱۳۵۸: ۴۵؛ تستری، قاموس: ۷/۳/۱ ش ۷۴۲۶) لذا او هنگامی که به حله آمد به عنوان میراث دار خط فکری ری مورد استقبال قرار گرفت و دعوت به تدریس کلام شد (حمصی رازی، ۱۴۱۲: مقدمه).

شایان ذکر است در همین زمانی که حمصی به حله آمد علما وفقهای حله با رویکرد فقهی و اصولی سید مرتضی توسط ابن ادریس حلی (۵۴۳-۵۹۸ق) آشنا بودند و خط فقهی سید مرتضی را که با عمل نکردن به اخبار آحاد عقلی تر می نمود دنبال می کردند (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۱/۴۴)، از این رو بستر برای به جریان در آمدن خط کلامی سید مرتضی نیز فراهم بود.

حمصی رازی درس کلامی اش را در مدرسه حله مبتنی بر کتاب «جمل العلم والعمل» سید مرتضی شروع کرد و چنانکه اشاره شد تدریس او با روش خاص اعتزالی مدرسه کلامی ری که میراثدار اعتزال بغداد بود بر گذار شد از این رو او را مؤسس مکتب کلامی اعتزال حله قلمداد کرده اند و این مدرسه را به عقل گرایی اعتزالی نزدیک دانسته اند (محقق حلی، ۱۳۷۳: ۳۳؛ سبحانی، ۱۳۸۸؛ جبرئیلی، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۸۸؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۲۲-۷).

حاصل درسهای حمصی رازی در حله کتابی شد با نام «المنقذ من التقليد والمرشد الی التوحید (یا التعلیق العراقی)» و شاگردانی را تربیت کرد که به ادامه رویکرد او پرداختند، به عنوان نمونه محقق حلی یکی از تاثیر پذیرفتگان مکتب کلامی حمصی بود و در مقدمه کتاب «المسلک فی اصول الدین» که از او بیادگار مانده، می گوید: رویکرد معتزلیان متاخر بهترین منهج برای تحقیق در مباحث اعتقادی است (محقق حلی، ۱۳۷۳: ۳۳).

همزمان با استمرار رویکرد کلامی حمصی در مرحله اول مدرسه کلامی حله، جریان دیگری در این مدرسه فعال بود، که بیشتر به رویکرد کلامی نص گرایان قم و ری می ماند، و البته با رویکرد معتزلیان تقابل نیز داشت، این خط فکری از شخصیت‌هایی مانند: قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ق)، ابن بطریق حلی (م ۶۰۰ق)، ورام بن ابی فراس (م ۶۰۵ق)، سید فخار بن معد موسوی (م ۶۳۰ق) و دیگران، در خانواده آل طاووس حلی که یکی از خاندان‌های علمی شاخص و اصیل حله بودند انتقال یافته بود، و آنها این رویکرد حدیثی را دنبال می کردند (حسین پوری، ۱۳۹۰: ۲۱۵)، در خانواده آل طاووس از دو برادر بیشتر سخن رفته است، یکی رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس حلی (م ۶۴۴ق) که معروف به سید بن طاووس است، او را از اعظم فقها و محدثان

و در علوم مختلف صاحب آثار عدیده ای دانسته اند (خفاجی، ۱۴۲۸: ۱۵۸). برادر دیگر جمال الدین ابو الفضائل احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس حلی (م ۶۷۳ق) بود، که از او هم گاه به سید بن طاووس نام برده شده و البته در مواردی نیز به اشتباه در نام آنها جایجایی انجام گرفته است، از احمد بن طاووس نیز آثار متنوعی در علوم مختلف گزارش شده است از جمله در کلام کتاب «الثاقب المسخر علی نقض المشجر فی اصول الدین» و «کتاب مقاله العلویه فی نقض الرساله العثمانیه» (همان، ۳۷) است. شایان توجه اینکه حدیث گرایان این جریان نوعی حدیث گرایان متفاوت از حدیث گرایان اخباریان بود که بعدها ظهور پیدا کردند، اینها احادیث را با دقت فراوان و مبانی خاص مورد ارزیابی قرار می دادند (حسین پوری، ۱۳۹۰: ۲۱۶-۲۱۸) و در واقع در عرصه دفاع از باورهای دینی چونان دیگر متکلمان عمل می نمودند، نه تنها خود تبحر در مباحث کلامی داشتند، بلکه سفارش به یادگیری اصطلاحات کلامی برای مناظره با مخالفان نیز می نمودند (جبرئیلی، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۵)، بهترین شاهد بر دغدغه کلامی آنها کتابهایی است که در واکنش به عقل گرایان در مباحث کلامی بیادگار گذاشته اند. بنابر این از این خط فکری نیز در عرض دیگر رویکردهای کلامی مدرسه حله بطور مستقل می توان یاد کرد.

شایان تذکر است که از آثار، مناظره ها و موضع گیریهای این رویکرد حدیثی بر داشت می شود که اینها با کلام مشکلی نداشتند بلکه با معتزله و فلاسفه که در عقل گرایان افراط داشتند مقابله می کردند، بر این عقیده بودند که کلام معتزلی و فلسفه راه رسیدن به حقیقت را دشوار می کنند، از این رو کتابهایی در رد قول و روش عقل گرایان تدوین کردند، مانند: «شفاء العقول من داء الفضول» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۴/۴۳؛ رضی الدین، ۱۳۸۳: ۳۸، ۴۸-۵۳، ۶۸). در این صورت نباید صرف مخالفت نمودن آنها را با عقل معتزلی و فلسفی طوری وانمود کرد که گویی حدیث گرایان مدرسه حله بطور کل مخالف کلام ورزی بوده اند، و گویی در تاریخ کلام نقشی نداشته اند (سبحانی، ۱۳۹۵: ۱۳-۲۹)، بلکه در همیشه تاریخ کلام امامیه، اگر نبود مقاومت و پایداری محدثان در مقابل افراط گرایان بعضی از رویکردهای کلامی معلوم نبود سر نوشت کلام امامیه به کجا می انجامید.

حاصل اینکه در مرحله اول مدرسه کلامی حله دو رویکرد کلامی فعال و البته تاثیر

گذار بودند، یکی رویکرد عقل‌گرای حمصی رازی و پیروانش، دیگری رویکرد نقل‌گرای خاندان آل طاووس و همگانش. بنابراین علامه حلی هم در زمره شاگردان رویکرد حمصی رازی از طریق محقق حلی (دایی خود) و ابن مطهر حلی (پدرش) بود، هم از شاگردان رویکرد محدثان بشمار می‌رفت و شاگردی احمد بن طاووس و علی بن طاووس حلی را در پرونده علمی خود داشت (امین‌عاملی، ۱۴۰۳: ۴۰۱-۴۰۲؛ سبحانی، ۱۴۱۸: ۷۷-۷۸).

مرحله دوم مدرسه کلامی حله

مرحله دوم با ورود محقق طوسی (۵۹۸-۶۷۲ق) در حدود نیمه‌های قرن هفتم به بعد شروع شد، موجب تحولی بسیار مهم در تاریخ کلام امامیه - بلکه در تاریخ کلام اسلامی - شد که خاستگاه آن مدرسه حله بود. این تحول بیش از همه تحولات دیگر تاثیرگذار و چشمگیر تلقی شد، و از آن به رقابت بین کلام و فلسفه یاد کرده‌اند (افضلی، ۱۳۸۹: ۵-۲۶)، البته از این پس اشاره خواهد شد که این نام‌گذاری چندان دقیق و کارشناسی شده نیست.

محقق طوسی (۵۹۸-۶۷۲ق) شخصیتی بود که علاوه بر تخصصی که در علوم و فنون متعدد دیگر داشت در بین چهره‌های شاخص مکتب فلسفی مشاء آراء و اندیشه‌های فلسفی او بر اهل نظر از وجاهت ویژه بر خوردار بود. در کلام نیز صاحب نظر و توانمند بود، کتابهای کلامی او از جمله «تجريد الاعتقاد» بهترین گواه بر این مدعاست، بر این کتاب علمای شیعه و سنی شرحهای چندی نگاشته‌اند و این کتاب را به عنوان یکی از کتابهای درسی حوزه‌های علمیه معرفی نموده‌اند (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳۳/۵-۲۳۴).

محقق طوسی با ورودش به بغداد و حله در راستای ایجاد فضای جدید در کلام، دو کار جدی انجام داد، که مورد توجه قرار گرفت و منتهی به تحول اساسی در فرایند کلام اعم از کلام شیعه و سنی شد، یکی تدریس کتابهای فلسفی بویژه مشائی مانند شفاء و اشارات ابوعلی سینا بود، و دیگری تدوین کتابهای کلامی که با روش متفاوتی از دیگر کتابهای کلامی آنروزگاره نگارش در آورد. او اصول و مبانی فلسفی را کتب و شفاها در کلام دخالت داد، در ضمن لازم به یاد آوری است که این دخالت دادن به معنای فلسفی کردن کلام نبود، بلکه متدولوژی و ساختار کلام را متحول و متغیر نمود و روش جدیدی را

بنیانگذاری کرد(کاشفی، ۱۳۸۷: ۱۵۷-۳۰۱، ۱۶۰).

بنابراین در مرحله دوم مدرسه حله رویکرد پدید آمده رویکرد کلامی - فلسفی محقق طوسی بود، و همزمان با او رویکرد کلامی حدیثی مرحله قبل نیز بدون اینکه با رویکرد فلسفی سر سازش داشته باشد، همچنان به راه خود ادامه داد (همان: ۱۶۰-۱۶۱).

مرحله سوم مدرسه کلامی حله

پس از تاثیر گذاری محقق طوسی و ایجاد تحول در کلام، مباحث کلامی با مبانی فلسفی بیش از پیش بر رسیده شد، اما پرسشی که وجود دارد این است که آیا پس از محقق طوسی همچنان به سبک و سیاق او عمل شد؟ بعبارت دیگر سر نوشت رویکرد های کلامی مرحله اول و دوم مدرسه حله پس از محقق طوسی چه سر نوشتی پیدا کرد؟ در پاسخ باید گفت تا کنون نگاه غالب نشان داده است که با تحول ایجاد شده توسط محقق طوسی و تاثیر پذیری علامه حلی از آن، تنها خط کلامی که از آن پس حاکم و استمرار پیدا کرد، خط کلامی محقق طوسی بوده است، و دیگر متکلمانی که پس از او آمدند همه نقش شارح و مروج رویکرد فلسفی او را ایفا کردند (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۷)، اما با دقت در آثار و آراء بجای مانده از علامه حلی و دیگر متکلمانی که پس از علامه حلی در حله درخشیدند، واقعیت دیگری رخ می نماید و علی رغم اینکه طیف متکلمان و فیلسوفان هر کدام تلاش فراوان نموده اند علامه حلی را در زمره پیروان خود معرفی نمایند و یا استناد به موافقت موردی او با بعضی از باورهای متکلمان، او را متکلم (اشمیتکه، ۱۳۷۸: کل کتاب) و یا با استناد به بعضی از باورهای فلسفی او را فیلسوف و مخالف متکلمان جلوه دهند (پویان، ۱۳۸۷: ۱۹۶-۲۱۸). از این رو این جستار بر آن است و رای کشمکشهای صنفی که گاه موجب پوشش نهادن بر زوایا و حقایق تاریخی می شود، از تحولی دیگر در تاریخ کلام امامیه سخن گوید که توسط علامه حلی پدید آمد، و مرحله ای دیگر را در مدرسه کلامی حله رقم زد.

تردیدی نیست که علامه حلی یکی از شخصیتهای استثنایی و کم نظیر مدرسه حله بلکه تاریخ تشیع است که در علوم اسلامی مختلف مجتهد و صاحب نظر و صاحب اثر بود، بنابراین بسی ساده اندیشی است که با چنین شخصیت جامعی که در حوزه ای متنوع مانند

حله تحصیل ورشد یافته است و از اساتید بزرگی در علوم و فنون مختلف با رویکردهای متفاوت بهره برده است بگونه ای بر خورد شود که گویی او مقلد اشخاص یا خطوط فکری خاص آنها بوده است. بنابراین با توجه به تنوع آثار بجای مانده از او و با صرف نظر از نگاههای جانب دارانه ای که درباره او داوری کرده اند، می توان چنین استفاده کرد که درست است که بعضی از آثار علامه حلی شرح آثار خواجه است، و بنحوی رویکرد خواجه را ترویج و ترغیب کرده است، اما این عمل به معنای پیروی از محقق طوسی نیست زیرا علامه به شرح آثار دیگران با رویکردهای دیگر نیز پرداخته است، مانند شرح کتاب «الیاقوت» ابو اسحاق نوبختی که بنام «انوار الملکوت فی شرح الیاقوت» انجام گرفته است، کتابهای کلامی دیگری نیز نوشته است که به سبک و سیاق متکلمان قبل از محقق طوسی می ماند.

آنچه به نظر زبینه علامه حلی است این است که او شخصیتی است که بر اثر استعداد، ظرفیت فراوان و فضای متنوعی که بر حوزه حله که او در آنجا پرورش علمی داشت حاکم بوده است و اساتید مبرزی که در علوم مختلف در اختیار او قرار داشته اند از او عالمی جامع و ذو فنون بوجود آورده بود که به یک معنا هیچگونه وابستگی به هیچ یک از جریانهای فکری نداشت و به معنایی دیگر از همه جریانهای فکری بهره فراوان داشت. بنابراین داوری واقع بینانه در باره رویکرد کلامی علامه حلی این است که گفته شود او با استفاده بهینه از چهره های شاخص جریانهای کلامی پیشین مدرسه حله و با توانمندیهایی که در خود داشت، مبتکر یک جریان کلامی متفاوت با شاخصه های ویژه گردید که تا آنروزگار سابقه نداشت. از این رو باید جریان و خط فکری او را جدای از جریانهای پیشین مدرسه حله و بطور مستقل مورد بررسی قرار داد.

شاخص های رویکرد کلامی علامه حلی

با توجه به مطالب یاد شده علامه حلی را باید مبتکر یک رویکرد متفاوت با رویکردهای گذشته دانست که تلفیقی از روش کلامی عقلی، کلامی فلسفی، و کلامی نقلی است. بنابر این باید پس از محقق طوسی از یک رویکرد تلفیقی عقلی، نقلی، فلسفی یاد کرد که هر سه مولفه در آن نقش آفرینی کرده است. بدیهی است چنین رویکرد

از کسی که شاگردی اساتیدی از سه جریان یاد شده کرده باشد، بعید نمی نماید؛ زیرا علامه هم شاگرد محقق حلی و پدرش بود که میراثدار رویکرد کلامی حمصی رازی بودند (حسین پوری، ۱۳۹۰: ۲۰۰)، هم شاگرد مکتب محدثان حله مانند سید احمد و سید علی بن طاووس حلی بود (همان، ۲۰۰-۲۰۱) و هم شاگرد محقق طوسی (همان). از این رو اگر طبقه بندی تاریخ کلام امامیه بر مبنای تحولات کلامی نهاده شود، باید مرحله سوم مدرسه حله را بنام علامه حلی و پیروان خط کلامی او رقم زد و از رویکردی متفاوت با رویکرد محقق طوسی سخن گفت و از نقش تحول آفرین علامه حلی در آن مقطع تاریخی و پس از آن سخن بمیان آورد.

از این رو بر خلاف آنچه تا کنون وانمود شده که علامه حلی در خط کلامی استادش محقق طوسی بوده است (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۷)، باید او را مبتکر رویکرد نوینی دانست که پس از او توسط شاگردانش استمرار پیدا کرد؛ و اگر تا کنون هر کجا سخن از توجه حوزه های علمیه امامیه نسبت به خط کلامی حله گفته شده است ذهنها متوجه به خط فکری و آثار محقق طوسی شده است، باید گفت واقعیت چیز دیگری بوده و گویا آنگونه که بایسته است مطابق با واقع سخن گفته نشده است.

به نظر نگارنده این سطورتا کنون تاریخ کلام پژوهان و بسیاری از کسانی که محقق طوسی را تنها یک فیلسوف دانسته اند بیش از اندازه حساسیت نسبت به تحول آفرینی فلسفی حله و نقش محقق طوسی ایجاد کرده اند، بطوری که از نقش استقلال علامه و شاگردان او باز مانده اند یا تلاش سترگ او را فقط در حد شارح بودن نشان داده اند، و همین عمل را با دیگر شخصیت های کلامی پیرو خط کلامی علامه که از این پس از آنها سخن گفته خواهد شد، نموده اند. و حتی به علما و حوزه های علمیه شیعه پس از حله نیز نسبت پیروی از خط محقق طوسی را داده اند در حالی که توجه حوزه های علمیه بیشتر به کتابهای کلامی علامه حلی و شاگردان و شارحان کتابهای او معطوف بوده است، و اگر از کتاب «تجريد الاعتقاد» محقق طوسی استقبال شده است با شرح علامه حلی بنام «کشف المراد فی شرح تجريد الاعتقاد» بوده است، اضافه اینکه تجريد کتابی درسی است که با روش برهانی که دارد بر توان استدلالی نمودن کلام می افزاید، و چونانکه کتابهای کلامی

علامه حلی و شاگردان او سخن‌گویی اندیشه اعتقادی امامیه می‌باشند مورد توجه قرار نگرفته است، گواه بر این مدعا همین بس که مرسوم حوزه‌های علمیه تا کنون این بوده است که در کنار کتاب تجرید یا شرح آن کتاب اعتقادی دیگری مانند کتاب «باب حادی عشر» یا کتاب دیگری که بمنزله اعتقادنامه امامیه باشد خوانده می‌شده و حوزه‌ها به کتاب محقق طوسی بسنده نکرده‌اند.

بنابراین چنانکه اشاره شد علامه حلی با استفاده از دست‌آوردهای رویکردهای قبل از خود در مدرسه حله (کلام، فلسفه، نقل) آثار کلامی متنوعی فراهم آورد که در مجموع آنها سرنخهایی از استدلال‌های کلامی، فلسفی و نقلی وجود دارد و به تناسب در هر کدام یک رویکرد نمود بیشتر پیدا کرده است، در کتابهای «کشف المراد»، «کشف الفوائد»، «انوار الملکوت»، «مناهج الیقین»، «تسلیک النفس الی حظیره القدس»، «معارج الفهم فی شرح النظم»، «نهج الحق و کشف الصدق» غلبه با روش عقلی اعم از کلامی و فلسفی است، در کتاب «کشف الیقین فی فضائل امیر المومنین» غلبه با روش نقلی است، و در آثاری مانند: «منهاج الکرامه» و «الألفین» تلفیقی از روش عقلی و نقلی مشاهده می‌شود (سلیمانی، زارعی، سبزی، ۱۳۹۵: ص ۱۴۷-۱۶۵) و البته از آن رو که اوصاحب اجتهاد و نظر در علوم مختلف بوده در بسیاری موارد به نقد هر یک از کلام و فلسفه و نقل نیز پرداخته است (عباسی حسین آبادی، ۱۳۹۵: ۵-۲۲) و چنانکه گفته شد ادبیات و خط فکری او در آثار شاگردان و پیروانش نیز نمود دارد (سبحانی و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۳۸)، بنابراین نمی‌توان خط فکری متکلمان پس از محقق طوسی را با دیگر جریان‌های کلامی قبل از علامه همدانستان دانست، زیرا در آثار آنها نیز روش تلفیقی وجود دارد (عشرتی، ۱۳۹۹: ۳۵-۴۱).

شاگردان و پیروان خط فکری علامه حلی

از پیروان مکتب و خط فکری علامه حلی نام چند نفر از چهره‌های شاخص برده می‌شود؛

۱) فخر المحققین (۶۸۲-۷۷۱ق) فرزند علامه از او دو کتاب کلامی با نام «الکافیة الوافیة فی الکلام» و «شرح نهج المسترشدین فی اصول الدین» بجای مانده است (خوانساری، ۱۳۹۰: ۵۸۹) که هر دو در تکمیل کتابهای علامه با همان سبک و سیاق است.

در کتاب دیگر او که به نام «تحصیل النجاه فی اصول الدین» است نیز روش علامه حلی مشاهده می شود (احمدی، ۱۳۹۶: ۲۳۵).

۲) ابن عثاقی حلی (ق ۸) از او کتاب «الایضاح والتبیین فی شرح منهاج الیقین» گزارش شده است (تهرانی، بی تا: ۱۲۷/۱۴) که او نیز در سلك پیروان و شارحان کلام علامه است.

۳) شهید اول نیز اگر چه آوازه فقهی آن برتری دارد اما از متکلمان مدرسه حله بود که هم تالیفات کلامی داشته که متأثر از روش علامه است و هم شاگردان کلامی تربیت کرده که متنتهای درسی او برای شاگردان نیز کتابهای کلامی علامه حلی بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۴/۱۰۷).

۴) جمال الدین ابو عبدالله مقداد بن عبدالله بن محمد بن محمد السیوری الاسدی الحلی (م ۸۲۶) معروف به فاضل مقداد که شاگرد شهید اول و آخرین شخصیت کلامی خط فکری علامه و عصاره مکتب کلامی او بود، کتابهای کلامی او بیشتر در شرح آثار علامه حلی است آثار کلامی او عبارتند از: «اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه»، این کتاب عصاره تفکر کلامی خط فکری علامه در مدرسه حله است، واز جمله مهمترین کتابهای کلامی این مدرسه است که با نظامی خاص تدوین شده است. دومین کتاب او «ارشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين» است که شرح آراء و اندیشه های کلامی علامه حلی است؛ سومین کتاب او در شرح باب حادی عشر علامه حلی بنام «النافع لیوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر» است این شرح به عنوان متن درسی حوزه ها قرار داشته و بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است؛ چهارمین کتاب وی با نام «الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد» این کتاب نیز شرح یکی دیگر از کتابهای علامه حلی است. پنجمین کتاب وی «الانوار الجلالیه فی شرح فصول النصیره» است که شرح کتاب الفصول النصیره محقق طوسی است. از کتابهایی که پس از علامه بر شمردیم غیر از چند عدد از آنها که در شرح کتابهای محقق طوسی بود در بقیه آنها از روش کلامی علامه حلی استفاده شده است، البته میان آثار فاضل مقداد با علامه حلی تنها تفاوتی که وجود دارد این است که در کتابهای فاضل مقداد مباحث از سازماندهی و نظام مندی بیشتری برخوردار است.

نتیجه گیری

از مطالب فوق آنچه نتیجه گرفته می شود این است که؛

اولاً: نگاه به مدرسه حله باید فرا گیر و همه جانبه باشد، حاصل این همه جانبه نگری توجه به رویکرد مغفول علامه حلی است که اتفاقاً نقش آن در تحول آفرینی در تاریخ کلام امامیه درخشانتر از دیگر رویکردها بوده است.

ثانیا: یک جانبه نگری بعضی از تاریخ کلام پژوهان منجر به ضایع شدن حقوق بعضی از متکلمان بر جسته شیعه در مدرسه حله شده است که علامه حلی و شاگردان او از آنها بشمار می روند. زیرا تنها نگاه به او در حاشیه نگاه به رویکرد کلامی فلسفی محقق طوسی انجام گرفته است.

ثالثاً: آنچه در این جستار بیش از همه مورد توجه قرار گرفت، نشان دادن تمایز رویکرد علامه حلی و شاگردان او نسبت به دیگر رویکردهای کلامی مدرسه حله، نمایاندن نقش تحول آفرین علامه حلی و شاگردانش در فرایند تاریخ کلام امامیه و اشاره ای به میزان تاثیر گذاری رویکرد کلامی علامه حلی بر حوزه های علمیه شیعه پس از مدرسه حله است.

فهرست منابع

۱. ابن ادريس حلی، ۱۴۱۴: السرائر، قم، موسسه نشر اسلامي.
۲. ابن طاووس، سيد رضی الدين، ۱۳۸۳: كشف المحججه لثمره المهججه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
۳. اشمیتکه، زاینه، ۱۳۷۸: اندیشه های کلامی علامه حلی، ترجمه: احمد نمایی، آستان قدس رضوی.
- احمدی، مصطفی، ۱۳۹۶: تحصیل النجاه فی اصول الدین، آیین پژوهش، ش ۱۶۷ و ۱۶۸.
۴. افضلی، سید محمد مهدی، ۱۳۸۹: طبقه بندی آموزه های اعتقادی در دوره های مختلف کلام اسلامي، دو فصلنامه پژوهش، شماره اول، تابستان، ص ۵-۲۶.
۵. امین عاملی، سید محسن، ۱۴۰۳ق: اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف.
۶. پویان، مرتضی، ۱۳۸۷: خواجه نصیر الدین طوسی متکلم یا فیلسوف یا هر دو، آفتاب شرق، مجموعه مقالات علمی اولین کنگره بین المللی خواجه نصیر الدین طوسی، تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیر الدین طوسی.
۷. تستری، محمد تقی، ۱۴۲۲: قاموس الرجال، قم، موسسه النشر الاسلامي.
۸. تهرانی، آقا بزرگ، ۱۹۷۲-۱۳۹۲: طبقات اعلام الشیعه، بیروت، علی نقی منزوی.
۹. جبرئیلی، محمد صفر، ۱۳۸۹: سیر تطور کلام شیعه، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.
۱۰. حسین پوری، امین، ۱۳۹۰: اندیشه شناسی محدثان حله، قم، دار الحدیث.
۱۱. حمصی رازی، سدیدالدین، ۱۴۱۲: المنقذ من التقليد، قم، موسسه النشر الاسلامي.
۱۲. خفاجی، ثامر کاظم، ۱۳۸۶: من مشاهیر اعلام الحله الفیحاء الی القرن العاشر الهجری، قم، کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی.
۱۳. خوانساری، محمد باقر، ۱۳۹۰: روضات الجنات، قم، اسماعیلیان.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۰۳: معجم رجال الحدیث، بیروت، بی جا.
۱۵. خیاط معتزلی، ابوالحسن، ۱۹۲۵ و ۱۳۶۷ق: الانتصار، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه.

۱۶. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۷: تاریخ الاسلام و وفیات الاعلام والمشاهیر، بیروت.
۱۷. رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، ۱۴۰۸: التدوین فی اخبار القزوین، تحقیق عزیز الله عطاردی، بیروت، مکتبه العلمیه.
۱۸. رحمتی، محمد کاظم، ۱۳۸۷: فرقه های اسلامی در ایران، تهران، بصیرت.
۱۹. رضایی، محمد جعفر، جایگاه عقل در کلام امامیه در مدرسه بغداد، شماره ۴، ۱۳۹۳، ص ۷-۲۲.
۲۰. سبحانی -----، ۱۳۸۸: شهیدین در کشاکش دو جریان کلامی مدرسه حله، قم، نقد و نظر، شماره ۵۶، ص ۱۸۳-۲۱۳.
۲۱. سبحانی -----، ۱۳۹۴: سلسله نشستهای تاریخ کلام امامیه، سایت سخن تاریخ.
۱. سبحانی -----، ۱۳۹۵: سلسله نشستهای تاریخ کلام امامیه، سایت سخن تاریخ.
۲۲. سبحانی -----، رضایی، محمد جعفر، ۱۳۹۱: مدرسه کلامی اصفهان، مجله تاریخ فلسفه، شماره ۱۱، ص ۱۱۱-۱۳۸.
۲۳. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸: موسوعه طبقات المتکلمین، قم، موسسه امام صادق(ع).
۲۴. سبحانی، محمد تقی، ۱۳۹۵: پنجمین جلسه بررسی تاریخ کلام امامیه در عصر حضور، سایت سخن تاریخ.
۲۵. سلیمانی، زارعی، سبزی، عبدالرحیم، هادی، حیدر، ۱۳۹۵: روش شناسی کلامی علامه حلی، فصلنامه کلام اسلامی، شماره ۹۷، ص ۱۴۷-۱۶۵.
۲۶. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق: کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. طباطبایی، سید عبدالعزیز، ۱۴۱۷: معجم اعلام الشیعہ، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۲۸. عباسی حسین آبادی، حسن، ۱۳۹۵: روی آورد وجود شناسانه اوصاف الهی در اندیشه علامه حلی، پژوهشنامه کلام، سال سوم.

۲۹. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، ۱۹۷۱م: لسان المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۰. قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۵۸: بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض، تهران، انجمن آثار ملی.
۳۱. کاشفی، محمد رضا، ۱۳۸۷: کلام شیعه، ماهیت، مختصات و منابع، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۲. مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۸۷: مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۳. -----، ۱۳۷۷: فرقه‌های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، اساطیر. محقق حلی، نجم‌الدین ابوالقاسم جعفر بن الحسن بن سعید، ۱۳۷۳:
۳۴. -----، تشیع امامیه و علم کلام معتزلی ۱۳۶۲: ترجمه احمد آرام، چاپ شده در: شیعه در حدیث دیگران، زیر نظر دکتر مهدی محقق، دفتر دائرةالمعارف تشیع، تهران.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳: بحار الانوار، بیروت، دارالوفاء.
۳۶. مدرس، محمد علی، ۱۳۶۹: ریحانه الادب، تهران، خیام.
۳۷. المسلك فی اصول الدین، تحقیق رضا استادی، مشهد، مجمع بحوث الاسلامیه.
۳۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷: آشنایی با علوم اسلامی، تهران، صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴: مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۴۰. مفید، شیخ، ۱۴۱۴: اوائل المقالات، سلسله مولفات مفیدج ۷، بیروت، دارالمفید.
۴۱. موسوی، سید جلال‌الدین، مدرسه کلامی ری، نقد و نظر، سال بیست، شماره، ۷۷، ۱۳۹۴، ص ۳۹-۵۳.

